

نقش بحران اقتصادی ۱۹۲۹ آمریکا بر توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول

سینا فروزش^۱

چکیده

بحران فراگیر مالی ۱۹۲۹ آمریکا از طریق کاهش یافتن تولیدات صنعتی در کشورهای پیشرفته به عنوان تولیدکنندگان اصلی و نتیجه آن کاهش تقاضای کشورهای سرمایه داری جهت مواد اولیه، به جوامع توسعه نیافته انتقال یافت و وقوع این بحران در ایران نیز دولت و مجلس را به سمت اجرای سیاستهایی برای مقابله با آن سوق داد. با این وصف، مسأله تحقیق حاضر این پرسش است که بحران مذکور چگونه باعث توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول شد؟ روش تحقیق در این مقاله، مطالعه اسنادی با تأکید بر تحلیل کیفی داده های آماری و اسناد گردآوری شده از متغیرهای اقتصادی ایران در دوران بحران مورد نظر است. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر، بیانگر آن است که حکومت پهلوی اول برای گذار از بحران مالی ۱۹۲۹ میلادی، با تصویب قوانین انحصاری، در راستای نظارت کامل بر امور اقتصادی و درآمدزایی، باعث تقویت اقتصاد دولتی در ایران شد.

واژگان کلیدی: بحران ۱۹۲۹، اقتصاد سیاسی، اقتصاد دولتی، پهلوی اول، انحصار تجارت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

Archive of SID

^۱ اسنادیاری گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: sinaforoozesh@gmail.com)

مقدمه

بحران ۱۹۲۹ از طریق کاهش یافتن تولیدات صنعتی در کشورهای پیشرفته به عنوان تولیدکنندگان اصلی و در نتیجه کاهش تقاضا جهت مواد اولیه، به جوامع توسعه نیافته انتقال یافت (اریک هابز باوم، ۱۳۸۲: ۲۹). در این بحران میزان تولیدات صنعتی به یک سوم تولیدات زمان پیش از جنگ کاهش یافت و منجر به کاهش تقاضای این کشورها جهت مواد اولیه و در نتیجه کاهش چشمگیر قیمت این مواد در بازار جهانی شد. (اریک هابز باوم، ۱۳۸۲: ۲۴۱) بنابراین در سالهای اوج بحران یعنی بین سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ قیمت مواد اولیه تا ۶۰٪ کاهش یافته بود و تقریباً ۶۵٪ جمعیت کره زمین تاثیر منفی آن بر شرایط اقتصادی را احساس می کردند (فرانک تاپتون و رابرت آلدریچ، ۱۳۷۵: ۲۹۷). دامنه بحران اقتصادی آمریکا در این زمان سرایت کرد و بسیاری از کشورهای تولید کننده مواد اولیه از جمله کوبا با ۹۰٪ کاهش صادرات شکر به عنوان مواد اصلی تولید خود، نترات شیلی با ۸۴٪، مواد دامی آرژانتین ۴۰٪، برنج تایلند ۵۰٪ و ... (فرانک تاپتون و رابرت آلدریچ، ۱۳۷۵: ۳۰۰ - ۲۹۷). بنابراین استراتژی صنعتی سازی به جای واردات در میان کشورهای توسعه نیافته، تقویت گردید و از آن به عنوان راه حلی برای جایگزینی واردات نام برده شد. کشورهای آمریکای لاتین در این امر پیش قدم بودند و سایرین از جمله ایران نیز با مشاهده پیامدهای بحران چشم انداز تازه ای جهت گسترش صنعت را آغاز نمودند (پل بروک، ۱۳۵۵: ۱۹۵). توسعه در بخش کشاورزی و یا صنعت، به عنوان دو هدف متضاد در اقتصاد ایران تعریف گردیده، بنابراین عده‌ای با عقیده به اولویت صنعت بر کشاورزی، برنامه‌های صنعتی شدن ایران را در این دوره را با دید مثبت ارزیابی کرده و از آن دفاع نمودند و در مقابل گروهی دیگر، بر توانمندی توسعه کشاورزی در برابر صنعت معتقد بوده و آن را بر زیان کشاورزی دانسته اند.

یکی از دلایل تقابل این دو بخش در اقتصاد آن بود که گروهی از کشاورزان می‌بایست با جدا شدن از بدنه اقتصاد سنتی کشاورزی، به عنوان کارگران صنعتی پس از مهاجرت به شهر، شاغل می گردند. (جرالد مییر، ۱۳۷۸: ۷۴۹) لیکن الگوی توسعه صنعتی در نظام سرمایه و پس از انقلاب صنعتی جهان غرب، گواه آن است که سه بخش «خدمات، کشاورزی و صنعت» در هم تنیده و حرکت آنان به هم وابسته است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۶). لازم به ذکر است که اصول اولیه نظام سرمایه داری بر فردگرایی و ایجاد بازار تعادلی قیمت و عرضه بدون دخالت دولت، شکل می گیرد. بنابراین با عدم دخالت دولت آمریکا در سقوط بازار بورس و افت ناشی از آن، بحران مالی در ایالات متحده و سپس در سطح جهانی گسترش یافت و پیامدهای این بحران در کشورهای سرمایه داری و همچنین کشورهای تامین کننده مواد اولیه خام مانند ایران، در نهایت باعث تعدیل و تغییر اصول اولیه نظام سرمایه داری و حرکت از مکتب کلاسیک به اقتصاد کینزی^۱ گردید.

سقوط بورس نیویورک در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ میلادی در ایالات متحده آمریکا و اتخاذ سیاست پولی انقباضی دولت وقت فدرال منجر به تبدیل این رکود، به بحرانی جهان با تکیه بر نظریات نظام تعادل بازار رقابتی و اقتصاد کلاسیک گردید. بحران مذکور بر متغیرهای اقتصاد ایران مانند: نرخ ارز، تجارت خارجی، کسری تراز تجاری، ایجاد انحصارات و تأسیس شرکت های دولتی، سقوط ارزش قران، کاهش قدرت خرید بین المللی ایران و ... تاثیر گذار بود و منجر به اتخاذ و تثبیت قوانین دولتی جهت کنترل شرایط اقتصادی و همچنین نظارت کامل بر منابع درآمدزا گردید که در پژوهش پیش رو بررسی گردیده است و در نهایت مسأله تحقیق حاضر، پاسخ به این پرسش است که بحران مذکور چگونه باعث توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول شد؟

^۱ - آدام اسمیت بنیانگذار مکتب اقتصاد کلاسیک در کتاب ثروت ملل عنوان می‌کند که در نظام سرمایه داری، اگرچه هر شخص تنها به دنبال تأمین منافع خود است ولی در واقع با اجرای این روش، دستی نامرئی منافع جامعه را نیز تأمین می کند، با تکیه به همین دیدگاه است که دولت از دخالت در امور اقتصادی خودداری می نماید.

^۲ - دکتین کینز در چنین در شرایط بحران مالی، دخالت دولت در اقتصاد را ضروری و اجتناب ناپذیر می‌داند تا از طریق سرمایه گذاری عمومی، استقراض و با تغییر در دریافت مالیات‌ها، جبران نارسایی سرمایه‌گذاری خصوصی در سطح عمومی جامعه را انجام دهد.

بحران ۱۹۲۹ ایالات متحده بصورت فراگیر بر اقتصاد سایر کشورهای از جمله ایران از طریق کاهش صادرات و متعاقباً کاهش قدرت خرید اولیه و به تبع آن، کسر از میزان واردات تاثیر گذار بود. با سقوط قیمت نقره به همراه سایر فلزات گرانبها پایه پول ایران تا ۴۲٪ سقوط کرده و در برابر ارزهای خارجی تا ۲۰٪ کاهش یافت. شرایط پیش آمده در سال ۱۳۰۸، تراز خارجی را دچار کسری و سپس با انتشار پول برای عرضه، اقتصاد دچار تورم گردید. بنابراین دولت صنعتی سازی کشور و حرکت از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی را در عمل به دست گرفت، پایه پولی را به طلا و واحد پول کشور را از قران به ریال تغییر داد و در مرحله بعدی، پشتوانه پول را از ۱۰۰٪ طلا به ۶۰٪ کاهش داده و در نهایت بدهی دولت به عنوان پشتوانه پول ترقی گردید. اهمیت این پژوهش بر آن است که تاریخچه اقتصاد ایران به صورت سنتی بر کشاورزی استوار بوده و از این مقطع زمانی، با حمایت دولت وقت و پذیرش تغییر در ساختار، حرکت به سوی صنایع و شکل گیری طبقه اجتماعی کارگر آغاز گردید. ضرورت انجام این تحقیق شناخت الگوی جدید و نوپای اقتصاد ایران و همچنین نیازمندی های داخلی و بین المللی جامعه ایران در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوران پهلوی اول است.

مفاهیم اساسی

الف) بحران اقتصادی: عبارت است از وجود «اضافه تولید» به معنای اشباع شدن بازار از کالاهایی که مشتری قدرت پرداخت بهای آن را ندارد. بع عبارت دیگر وقتی در بازار، کالا فروش نرود، تولید و عرضه کالاهای جدید نیز کاهش یافته و متوقف می شود و به دنبال آن تعطیلی کارخانه ها و بیکاری وسیع و میلیونی کارگران بیش می آید که اینگونه با افزایش بیکاری، فروش کالاها دشوارتر گردیده و بر عمق بحران می افزاید. سیستم اعتباری سرمایه داری از کار باز می ماند، بدهکاران توان پرداخت بدهی خود را در سر موعد از دست می دهند. بهای سهام شرکت ها در بازار تنزل می کند، موسسات سرمایه داری یکی پس از دیگری ورشکست می شوند. لازم بذکر است میان بحران مالی و بحران اقتصادی تفاوت وجود دارد، در صورتی که بحران مالی کنترل نگردد با دامنه دار شدن آن می تواند به بحرانی اقتصادی تبدیل شود.

ب) مالیات: مالیات یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره‌وری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آنرا پرداخت نمایند تا توانایی های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت های اقتصادی است که نصیب دولت می گردد، زیرا ابزار و امکانات دست یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

ج) گمرک: گمرک سازمانی است وابسته به حکومت وقت که ورود و خروج کالاها میبایست از طریق آن صورت پذیرد و در معنای لغوی، معادل واژه گمرک در زبان انگلیسی Customs و در زبان فرانسه Douane می باشد، بنا بر قول مشهور محققان و مورخان، مشتق از کلمه لاتین Commercium به معنی تجارت و مبادله کالا بوده که خود این کلمه، مشتق از ریشه یونانی Cumerx (کومرکس) به معنی حقوق متعلق به کالا و مال التجاره می باشد. گمرک در زبان ترکی به شکل واژه Kumruk (کومروک) یا Gumruk رواج یافته است. این واژه ها بعدها در دوران صفویه به واسطه همجواری ایران با ترکیه در کشور ما نیز متداول شده است.

د) کسری تجاری: گزارش تراز تجاری ارزش کل واردات و ارزش کل صادرات برای دوره ای خاص را گزارش می کند. مقدار منفی نشان می دهد که کالاها بیشتر صادر شده اند تا وارد (کسری تجاری) و برعکس، تراز تجاری مثبت بدان معنی است که صادرات بیشتر از واردات (مازاد تجاری) بوده است.

ه) تراز پرداخت ها: تراز پرداخت ها (به انگلیسی: Balance of payments) یا به اختصار BOP مفهومی است در علم اقتصاد، بیان کننده رابطه میان مطالبات و تعهدات یک کشور با سایر جهان. به زبان ساده تر همانند جدولی است حاوی مبادلات بدهکار و بستانکار یک کشور با کشورهای دیگر.

و) بودجه: بودجه سندی است مالی که دخل و خرج کشور در آن پیش بینی و برای اجرا تصویب میگردد. در واقع نوعی برنامه ریزی مالی یکساله توسط حکومت و ایجاد یک فهرست از تمام هزینه‌های برنامه ریزی شده و همچنین درآمدهای کسب شده حکومت در یکسال آینده است.

ز) تورم: رشد سطح عمومی قیمت‌ها به طور فزاینده را تورم می‌گویند، بدان معنا که قیمت کالاها و خدمات بصورت نامنظم و مداوم افزایش و در نتیجه قدرت خرید در سطح عمومی کاهش می‌یابد که از عوامل بسیاری از جمله کسری تراز پرداختی که منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌گردد، نشأت می‌گیرد.

روش شناسی

در انجام این تحقیق از مطالعه اسنادی استفاده گردیده که با نگاهی عینی به وقایع و حوادث مستند تاریخی به توصیف، تبیین و تحلیل تاریخی موضوع می‌پردازد و به مانند سایر تحقیقات تاریخی، استفاده از منابع به ترتیب تقدم و تاخر و رجحان منبع از نظر جایگاه تاریخی و رعایت امانت و بی‌طرفی در نقل تحلیل وقایع و روایات انجام خواهد شد. همچنین شیوه گردآوری مطالب مذکور بصورت کتابخانه‌ای و اسنادی و در تدوین و نگارش نهایی مقاله وقایع، علل و پیامدهای تاریخی آن از روش ترکیبی (توصیفی-تحلیلی) استفاده گردیده است.

چارچوب نظری

پژوهش پیش رو توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول را بعنوان متغیر وابسته و تحت تاثیر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ آمریکا در نظر گرفته و به بیان دلایل آغاز صنعتی شدن در ایران و پس از آن توسعه صنایع و ایجاد وزارت خانه مربوطه در دوران پهلوی اول می‌پردازد. باور به وجود دست نامرئی تأمین کننده منافع اقتصادی در مکتب کلاسیک، منجر به آن گردید که گروهی از اقتصاددانان افت اقتصادی و سیکلهای تجاری رونق و رکود حاصل از آن را بخشی از ذات جدایی ناپذیر نظام سرمایه داری دانسته و راهکارهایی جهت به حداقل رساندن پیامدهای آن در سطح عمومی جامعه، از طریق هزینه و خرج دولت جهت تأمین گردش پول، ایجاد حداقل دستمزدهای دریافتی، اتحادیه‌های کارگری و بیمه اجتماعی پرداخته و با تغییر پایه‌های این مکتب اقتصادی، آن را تعدیل نمودند.

تأثیر بحران ۱۹۲۹ آمریکا بر اقتصاد ایران

- کاهش میزان صادرات

نخستین پیامد بحران در ایران، کاهش میزان صادرات خصوصاً در صنایع دستی و مواد اولیه اعم از محصولات کشاورزی و معدنی بود. (جان فوران، ۱۳۸۹: ۳۶۵) روند کاهش صادرات قالی به عنوان مهم ترین صنعت دستی در ایران به گونه ای بود که صدور قالی از رقم ۱۳۰۳۸۶۳۳۱ میلیون ریال در سال ۱۳۰۷ به ۵۵۰۵۵۷۷۶ میلیون ریال در سال ۱۳۱۰ رسید (مجله اطاق تجارت، ش ۲۹: ۲) در ارتباط با محصولات کشاورزی و تولیدی نیز این روند کاهش کاملاً مشهود بود.

جدول (۱): صادراتی محصولات کشاورزی بین سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ (منبع: مجله اطاق تجارت، ش ۲۶: ۱۸-۲۶)

محصول	۱۳۰۷	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰	۱۳۱۱
تنباکو	۲۱۱۵۳۸۴	۲۲۹۰۵۶۹	۲۱۰۰۹۷۴	۱۱۸۰۵۹۱	۸۴۱۶۴۵۹
برنج	۲۹۳۶۰۰۵۸	۳۳۱۵۷۵۲۸	۳۲۰۱۱۸۵۳	۲۶۷۷۲۵۳۹	۱۵۵۹۱۰۲۷
پنبه	۵۲۶۸۰۱۲۰	۳۸۹۵۲۱۱۸	۳۱۲۵۲۸۲۵	۸۳۱۶۶۶۵۱	۴۵۲۳۷۴۰۷
تریاک	۶۵۰۴۰۷۳۸	۷۰۲۱۳۴۲۴	۴۹۱۳۰۲۹۷	۲۱۸۰۶۰۵۸	۳۳۰۸۸۴۹۸
خشکبار	۳۹۲۰۰۰۰	۳۳۹۹۰۰۰	۴۹۱۴۰۰۰	۱۱۳۸۳۰۰۰	۵۰۵۱۰۰۰
صمغ‌ها	۲۵۲۷۹۴۹	۳۲۵۰۴۸۲	۲۴۹۹۸۲۵	۱۶۲۶۷۲۶	۷۳۰۰۱۸
کتیرا	۱۵۸۵۱۹۲۵	۱۷۹۸۳۰۰۰	۱۶۱۷۶۹۸۹	۳۴۹۹۷۶۴۲	۱۴۵۸۱۶۴۱
کنف خام	۱۳۵۰۰۷۲	۷۷۲۰۶۵	۲۰۲۵۲۷۸	۱۷۳۸۴۱	۹۸۰۰۶۷
جمع کل	۲۰۸۱۲۶۲۴۶	۲۰۰۶۰۹۱۸۶	۱۸۴۳۳۸۰۳۸	۲۸۳۵۵۴۰۴۸	۱۷۷۲۳۵۱۱۷

بنابراین در چنین وضعی میزان کل صادرات ایران در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ با کاهش ملموسی همراه بوده است. در سال ۱۳۱۰ افزایش میزان صادرات از دو عامل نشئت گرفت، اول افزایش مداخله و نظارت دولت پس از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی و همچنین افزایش میزان وزنی صادرات بود. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۳۰۹-۳۰۸)

- کاهش میزان واردات

از آنجا که ایران بخش اعظم کالاهای مصرفی خود را از کشورهای صنعتی وارد می کرد. کاهش درآمد حاصل از صادرات، تاثیر زیادی در کاهش قدرت خرید ایران برجای گذاشت. با کاهش صادرات و واردات به میزان ۷/۶٪ بر حسب قران یا ۱۶/۳٪ بر حسب دلار (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۳۱۵)، در مجموع منجر به تهی شدن خزانه کشور و مشکلات متعددی حاصل از کاهش درآمد دولت بود، حاصل این امر تصمیمات حکومت وقت به پاره ای از قوانین جهت کنترل شرایط بحرانی پیش آمده گردید.

جدول (۲): اقلام وارداتی ایران بین سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰

محصول	۱۳۰۷	۱۳۰۸	۱۳۰۹	۱۳۱۰
پارچه های پنبه ای	۱۰۶۸۶۹۰۵	۹۱۷۰۷۸۷	۸۲۲۰۸۱۵	۳۵۷۵۶۲۱
پارچه های پشمی	۱۷۲۰۴۸۸	۱۹۸۰۳۴۹۷	۱۱۷۷۵۸۴۸	۹۴۲۳۰۷۱
چای	۶۸۴۵۵۷۴۵	۶۹۹۵۳۶۵۹	۶۵۵۹۲۹۳۹	۴۱۸۶۰۱۹۶
شکر	۱۹۰۳۲۳۹۹	۲۴۷۸۶۵۴۶	۲۹۹۴۶۴۷۳	۱۳۲۶۴۰۲۹
قند	۷۸۰۳۹۳۲۵	۹۰۷۹۲۱۶۸	۷۴۹۷۰۶۴۷	۵۵۵۳۳۷۲۹
کبریت	۲۷۶۴۵۱۸	۴۳۵۳۸۷۸	۳۰۹۰۹۴۴	۷۳۴۷۵۳
جمع کل	۱۸۰۶۹۹۳۸۰	۲۱۸۸۶۰۵۳۵	۱۹۳۵۹۷۶۶۶	۱۲۴۳۹۱۳۹۹

(منبع: مجله اطاق تجارت، ش ۵۳، ۲۹-۲۵)

- کاهش ارزش قران

نظام پولی ایران تا سال ۱۹۳۳ (اوایل دی ماه ۱۳۱۱) بر پایه نقره بود. درحالی که در طول قرن نوزدهم، نظام پولی اکثر کشورهای مهم جهان از پایه نقره به طلا تغییر یافته و در آغاز قرن بیستم عملاً کشورهای صنعتی بر پایه استاندارد طلا به مبادله می پرداختند. قیمت نقره در بحران ۱۹۲۹ به همراه سایر فلزات گرانبها کاهش یافت. بنابراین به دلیل آنکه پایه پول ایران نقره بود، ارزش قران نیز سقوط کرد (رضا مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۵۲)، در مدت ۲ سال ارزش نقره ۴۲٪ کاهش یافت و از ۲۴ پنی در بازار لندن در سال ۱۹۲۹ به ۱۴ پنی در سال ۱۹۳۱ رسید. با کاهش ۲۰٪ ارزش قران در برابر ارزهای خارجی سرانجام دولت با پیشنهاد وزیر دارایی وقت، آقای علی اکبر داور به تثبیت نرخ ارز پرداخته و ارزش هر پوند استرلینگ را ۶۰ قران و هر دلار را ۱۲/۴ قران اعلام کرد. همچنین وی اعلام کرد که باید واحد پولی ایران به طلا تغییر یابد. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۱ و ۲ و ۱۴)

- کسری تراز خارجی

در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ که قیمت کالاها در کشورها با پایه استاندارد طلا به سبب رکود اقتصادی کاهش چشمگیری داشت، در ایران تقریباً به صورت عمودی افزایش یافت چرا که کاهش ارزش قران شدیدتر از کاهش قیمت کالاها بود و با گرانتر شدن کالاهای خارجی تقاضا برای واردات کاسته شد. (تیمور رحمانی، ۱۳۷۸: ۱/۲۱۶)

الف) روسیه

از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ تراز تجاری نامطلوب و واردات بیش از صادرات بود و دلیل آن سقوط روبل، پول روسیه و پیامد آن، ارزان تر شدن کالاهای روسی بود. با ثابت شدن نرخ ارز توسط روسیه در سال ۱۹۲۳ صادرات ایران افزایش یافت.^۱

جدول (۳): میزان واردات و صادرات ایران و روسیه بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ میلادی

سال	واردات (بر حسب هزار قران)	صادرات (بر حسب هزار قران)	مجموع
۱۹۲۰	۲۰۱۰۳	۸۶۱۵	۲۸۷۱۸
۱۹۲۱	۴۱۷۳۲	۲۶۴۸۹	۶۸۲۲۱
۱۹۲۲	۷۳۴۴۶	۶۲۱۲۳	۱۳۵۵۶۹
۱۹۲۳	۱۰۵۱۵۹	۱۵۸۰۱۴	۲۶۳۱۷۳
۱۹۲۴	۱۲۵۶۷۰	۲۴۴۶۶۹	۳۷۰۳۳۹
۱۹۲۵	۲۱۱۷۶۴	۲۸۱۱۴۲	۴۹۲۹۰۶
۱۹۲۶	۱۸۴۴۸۴	۱۶۳۹۱۲	۳۴۸۳۹۶
۱۹۲۷	۲۰۹۱۵۹	۱۹۹۰۷۲	۴۰۸۲۳۱
۱۹۲۸	۲۹۱۰۶۱	۱۶۶۲۸۸	۴۵۷۳۴۹
۱۹۲۹	۲۷۴۷۱۶	۱۴۸۵۸۷	۴۲۳۳۰۳
۱۹۳۰	۲۳۴۲۴۲	۱۵۸۸۲۷	۳۹۳۰۶۹
۱۹۳۱	۲۶۸۵۸۵	۲۵۰۹۵۳	۵۱۹۵۳۸

(منبع: احصائیه واردات و صادرات گمرک ایران)

در فوریه ۱۹۲۶ دولت روسیه ورود تمام کالاهای ایرانی به جز پارچه پنبه ای را ممنوع اعلام کرد. (رضا مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۳۸۶) هیئتی از نمایندگان دولت ایران در اسفند ماه ۱۳۰۵ به شوروی سفر کرد و در نهایت با امضای توافق نامه ای در اکتبر ۱۹۲۷ سهمیه تجاری هردو کشور اینگونه تعیین شد: صادرات ایران سالانه ۵۰ میلیون روبل (معادل ۲۵۰ میلیون قران) که از این میان ۳۰٪ آن باید مواد خام و ۲۰٪ مواد غذایی یا خوراک کارخانجات باشد و بازرگانان ایرانی می بایست ۹۰٪ مبلغ دریافتی خود را کالای روسی خرید کنند. (رضا مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۳۹۰-۳۸۹)

ب) انگلیس

مبادلات تجاری با بریتانیا در طول سالهای جنگ جهانی اول و پس از آن ادامه داشت و رو به افزایش بود و از سال ۱۹۲۳ صادرات بر واردات پیشی گرفت (رضا مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۳۶۹) که البته این افزایش نامتعارف مربوط به صادرات سالانه نفت توسط شرکت نفت انگلیس- ایران تاسیس شده در سال ۱۹۰۸ بود که اگر میزان نفت صادراتی را از حجم مبادلات فی مابین وک کنیم، همچنان تراز تجاری با روسیه بیش از سایر کشورها خواهد بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۳۲۲: ۱۰)

جدول (۴): میزان واردات و صادرات ایران و انگلستان بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ میلادی

سال	واردات (بر حسب هزار قران)	صادرات (بر حسب هزار قران)	مجموع	درصد از کل تجارت
۱۹۲۰	۳۶۵۹۲۷	۱۰۶۷۳۸	۴۷۲۶۶۶	۶
۱۹۲۱	۴۶۲۱۲۸	۱۵۹۰۳۶	۴۲۱۱۶۵	۱۰/۹۸
۱۹۲۲	۴۱۹۰۳۲	۲۹۸۵۵۳	۷۱۷۵۸۵	۱۸/۸۵
۱۹۲۳	۴۲۴۳۱۰	۴۰۳۶۵۳	۸۲۷۹۶۴	۳۱/۷۸
۱۹۲۴	۴۴۵۲۴۱	۴۵۳۰۴۷	۸۹۸۲۸۸	۴۱/۲۲

۱- در این سال اصلاحات سیستم پولی در روسیه صورت گرفت و روبل تازه ای ضرب گردید که در مقابل ده هزار روبل قدیم، به روبل جدید معاوضه میشد.

۵۴/۳۶	۹۰۶۶۹۷	۴۳۸۹۶۸	۴۶۷۷۲۹	۱۹۲۵
۳۷/۰۵	۹۴۰۲۰۸	۵۵۴۵۹۹	۳۸۵۶۰۸	۱۹۲۶
۴۸/۲۸	۸۴۵۴۶۲	۴۴۸۴۴۸	۴۰۰۰۱۴	۱۹۲۷
۵۳/۶۸	۸۵۱۸۷۶	۵۳۶۷۷۸	۳۱۵۱۹۸	۱۹۲۸
۳۷/۷۹	۱۱۲۰۰۶۸	۵۷۶۳۶۳۸	۵۳۶۴۳۰	۱۹۲۹
۳۸/۴۷	۱۰۲۱۶۲۶	۶۵۳۰۰۵	۳۶۸۶۲۱	۱۹۳۰
۶۱/۲۵	۸۴۸۲۱۵	۶۷۱۴۰۲	۱۷۶۸۱۳	۱۹۳۱

(منبع: احصائیه واردات و صادرات گمرک ایران)

ج) آلمان

به علت آشفتگی های پس از جنگ رابطه ی تجاری ایران و آلمان پس از جنگ جهانی اول تقریباً به صفر رسید. اما با آغاز دهه بیست دولت ایران هر ساله ۲۵ میلیون دلار هزینه احداث راه آهن سراسری را از آلمان خرید می نمود. (چارلز فلیپ عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۹۸) و همچنین آلمان بعنوان متحد و شریک در عرصه سیاسی منبع اصلی ارسال مهمات و تجهیزات نظامی به ایران بود. (رضا مختاری اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۰۰)

اولین قرارداد تجاری میان این دو کشور در بهمن ماه ۱۳۰۴ شمسی منعقد و آلمان اینگونه در تمام زمینه های نساجی، کاغذسازی، سیمان، برق و ... نقش داشت. (علیرضا زرگر، ۱۳۷۲: ۳۵۸) آلمانی های زیادی در ایران مشغول به کار بودند و هنرستان های صنعتی از سال ۱۹۲۷ در تهران و مراکز استان ها با حضور استادان آلمانی تاسیس و شروع به کار نمود.

جدول (۵): میزان واردات و صادرات ایران و آلمان بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ میلادی

سال	واردات (بر حسب هزار قران)	صادرات (بر حسب هزار قران)	مجموع	درصد از کل تجارت
۱۹۲۰	۵۳۶	۱۷۵	۷۱۱	۲/۴۷
۱۹۲۱	۳۰۰۴	۲۳۹	۳۲۴۳	۴/۷۵
۱۹۲۲	۸۴۸۵	۳۵۴	۸۸۳۹	۶/۵۱
۱۹۲۳	۱۷۶۷۱	۱۰۶۴	۱۸۷۳۶	۷/۱۱
۱۹۲۴	۲۳۰۶۹	۱۹۰۸	۲۴۹۷۷	۶/۷۴
۱۹۲۵	۳۲۶۹۶	۱۸۳۱	۳۴۵۲۷	۷
۱۹۲۶	۳۹۳۴۹	۴۵۰۳	۴۳۸۵۲	۱۲/۵۰
۱۹۲۷	۳۲۲۱۵	۳۳۶۶۰	۶۵۸۷۶	۱۶/۱۳
۱۹۲۸	۴۷۲۳۶	۴۱۶۲۸	۸۸۸۶۵	۱۹/۴۳
۱۹۲۹	۶۰۰۸۶	۶۰۱۸۰	۱۲۰۲۶۷	۲۸/۴۱
۱۹۳۰	۵۶۷۷۷	۵۵۹۹۱	۱۳۲۷۶۸	۳۳/۷۷
۱۹۳۱	۴۲۰۴۰	۶۳۴۲۷	۱۰۵۴۶۷	۲۰/۳۳

(منبع: احصائیه واردات و صادرات گمرک ایران)

د) آمریکا

رابطه تجاری با آمریکا در آستانه دهه بیست آغاز و با سرعت فزاینده ای جلو می رفت. ایران در این دوران وارد کننده ی اتومبیل و خودرو، لاستیک چرخ و تیوب و قطعات یدکی به عنوان سه محصول اصلی از ایالات متحده بود و در مقابل نیز بزرگترین خریدار قالی و قالیچه ایرانی در جهان محسوب می شد. این رقم در سال ۱۹۳۰-۱۹۲۹ به میزان ۷,۲۶۰,۰۰۰ دلار رسید. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۳۲۲-۳۲۱)

جدول (۶): میزان واردات و صادرات ایران و آمریکا بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ میلادی

سال	واردات (بر حسب هزار قران)	صادرات (بر حسب هزار قران)	مجموع	درصد از کل تجارت
۱۹۲۰	۵۱۲۲	۲۲۸۴۴	۲۷۹۶۶	۳۸/۹۷
۱۹۲۱	۵۴۸۳	۲۹۵۲۹	۳۵۰۶۲	۵۱/۳۹
۱۹۲۲	۵۶۵۳	۶۱۱۹۳	۶۶۸۴۶	۴۹/۳۰
۱۹۲۳	۳۵۳۱	۵۸۹۷۹	۶۲۵۱۰	۲۳/۷۵
۱۹۲۴	۶۲۳۳	۵۳۵۴۸	۵۹۷۸۲	۱۶/۱۴
۱۹۲۵	۱۰۲۵۵	۶۹۷۴۱	۷۹۹۹۷	۱۶/۲۲
۱۹۲۶	۲۰۶۶۹	۷۶۶۶۰	۹۷۳۳۰	۲۷/۹۳
۱۹۲۷	۲۴۹۶۱	۸۱۰۴۳	۱۰۶۰۰۴	۲۵/۹۶
۱۹۲۸	۳۹۲۱۳	۸۰۶۸۶	۱۱۹۹۰۰	۱۶/۲۱
۱۹۲۹	۷۲۶۹۲	۸۶۵۳۴	۱۵۹۲۲۶	۳۷/۶۱
۱۹۳۰	۲۵۰۹۱	۶۶۲۶۵	۹۱۳۵۷	۲۳/۲۴
۱۹۳۱	۴۲۷۵۶	۷۹۷۱۵	۱۲۲۴۷۲	۲۳/۵۷

(منبع: احصائیه واردات و صادرات گمرک ایران)

مقایسه آمار نشان می دهد که با شروع بحران صادرات ایران ۱۰٪ کاهش و واردات نیز در مدت ۲ سال، حدود ۵۰٪ کاهش می یابد و در این میان تنها نفت است که تراز تجاری ایران را مثبت نگه می دارد.

- تورم^۱

رشد سطح عمومی قیمت ها به طور مداوم و فزاینده که در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به صورت بخشی از ساختار سیستم اقتصادی است و برای آن می توان از عواملی از جمله: کمبود زیربنای اقتصادی، وابستگی به صادرات تک محصولی، گسترش نامناسب بخش خدمات، افزایش جمعیت فقیر، شهرنشینی افسار گسیخته و ... یاد کرد. همچنین کسری تراز پرداختی که منجر به کاهش ارزش پول ملی می گردد نیز یکی از مهم ترین زمینه های ایجاد تورم است. (علی طیب نیا، ۱۳۷۴: ۸۱-۸۰) تا قبل از نیمه ی اول دهه ۱۳۱۰ به علت عدم یکپارچگی اقتصاد ایران تنها شاخص رسمی قیمت ها در برآورد تورم، شاخص قیمت مصرف کننده (خرده فروشی)^۲ و عمده فروشی^۳ بود. به دلیل عدم وجود آمار رسمی شاخص قیمت ها تا قبل از سال ۱۳۱۵، با استفاده از آمار شاخص های عمده فروشی در سه دوره ۱۲ ساله از سال ۱۲۴۹ ه.ش عدد شاخص در هر دوره به ترتیب ۶٪، ۷/۵٪ و ۷/۵٪ بوده و یا به عبارتی نرخ رشد تورم در این فاصله برابر با صفر بوده است. (ابولفضل خاوری نژاد، ۱۳۸۱: ۶۹) ولیکن با شروع جنگ جهانی دوم شاخص کل تورم از ۶ به ۹/۴ و تا سال ۱۳۲۰ به رقم ۱۶ رسید.

جدول (۷): تراز تجاری بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱ میلادی

سال	تراز (صادرات - واردات) به جز نفت	تراز (صادرات - واردات) شامل نفت
۱۹۲۷	-۳۴۷	۲۵۰
۱۹۲۸	-۳۴۰	۶۹۸
۱۹۲۹	-۴۳۲	۶۵۵
۱۹۳۰	-۳۵۲	۶۵۳
۱۹۳۱	۴۹	۱۰۶۷
۱۹۳۲	-۱۲۶	۱۰۱۷

(منبع: کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹ و ۱۳۷)

- 1 - Inflation
- 2 - Consumer Price Index
- 3 - Wholesale Price Index

- بودجه^۱

بیان تعریف مشخص و واحد که به صورت کامل و جامع دربردارنده مفهوم بودجه باشد، دشوار است. بنابراین می توان گفت که اگر نظام بودجه‌ای کشور را به ساختمانی تشبیه کنیم، اصول بودجه، اسکلت آن محسوب می شود. اولین تعریف بودجه در ماده یک قانون محاسبات عمومی مصوب ۲۱ صفر ۱۳۲۹ هـ ق اینگونه بیان شده است: «بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب می گردد. مدت مذکور را سند مالی می گویند که عبارت از یک سال شمسی است.» بودجه ایران قبل از سال ۱۳۰۷ به حالت تعادل در آمده بود ولیکن برای دولت مردان که خواهان صرف وجوه هنگفتی در زمینه ی برنامه های ساخت و ساز بودن، این تناسب در آمد و هزینه کفایت نمی کرد. لذا از سال ۱۳۰۸ عواید فروش نفت از بودجه عمومی حذف و به حساب ذخیره مملکت واریز گردید تا در جهت اهداف زیربنایی مصرف گردد. در این دوران رشد بودجه تاسیسات عمرانی از ۱۳٪ در سال ۱۳۰۵ به ۴۰٪ در پایان دهه ۱۳۲۰ تخمین زده شده است. (جولیان باری یر، ۱۳۶۳: ۹۱-۸۹) بین سالهای ۱۳۲۰-۱۳۰۷ میزان اعتبار تخصیص یافته به وزارتخانه ها متفاوت و با کاهش دریافتی وزارت جنگ، بخش بیشتری شامل کشاورزی و به ویژه صنعت گردید. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۵۸ و ۱۷۷-۱۷۶)

جدول (۸): اعتبار وزارت خانه ها (به میلیون ریال) بین سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۰ میلادی

سال	وزارت کشاورزی		وزارت صنایع		وزارت خانه جنگ	
	اعتبار	درصد	اعتبار	درصد	اعتبار	درصد
۱۳۰۷	-	-	۳	۱/۱	۱۱۲	۴۰/۴
۱۳۰۸	-	-	۳	۰/۹	۱۴۱	۴۰/۳
۱۳۰۹	۱	۰/۳	۱	۰/۳	۱۴۷	۴۱/۶
۱۳۱۰	۱	۰/۳	۱	۰/۳	۱۷۹	۴۷/۹
۱۳۱۱	۲	۰/۴	۲۰	۴/۱	۱۸۶	۳۸/۶
۱۳۱۲	۲	۰/۴	۲۶	۵/۱	۲۱۵	۴۲/۲
۱۳۱۳	۳	۰/۵	۲۲	۳/۵	۲۳۹	۳۸/۳
۱۳۱۴	۱۷	۲/۳	۶۸	۹	۲۵۶	۳۴
۱۳۱۵	۲۷	۲/۷	۷۶	۷/۶	۲۷۵	۲۷/۵
۱۳۱۶	۳۴	۲/۷	۱۵۰	۱۲	۳۱۹	۲۵/۶
۱۳۱۷	۴۸	۳/۱	۳۲۰	۲۱	۴۰۳	۲۶/۵
۱۳۱۸	۵۴	۲/۱	۴۵۹	۱۷/۶	۳۸۰	۱۴/۵
۱۳۱۹	۷۲	۲/۳	۷۵۱	۲۴/۱	۴۸۳	۱۵/۶
۱۳۲۰	۱۲۲	۲/۹	۱۰۰۶	۲۴/۱	۵۹۳	۱۴/۲

(منبع: کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۵۸ و ۱۷۷-۱۷۶)

عملکرد دولت در کنترل بحران

- قانون تفتیش و اسعار^۲ خارجی:

با توجه به آن که نقره پایه پول ایران محسوب می گردید و به واسطه ی بحران ۱۹۲۹ قیمت آن دچار کاهش گردید، ارزش پول جاری کشور سقوط و قران ۲۰٪ در برابر ارزهای خارجی کاهش یافت. (علی رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۱۴) بنابراین جهت برقراری نظام کنترل ارزی قانون تفتیش اسعار را در تاریخ ششم اسفند ۱۳۰۸ (۲۵ فوریه ۱۹۳۰) به تصویب مجلس رساند. (رضا مختاری، ۱۳۹۲: ۲۶۳-۲۵۲)

بر طبق این قانون کمیسینی برای تثبیت نرخ خرید و فروش ارز شکل گرفت و اختیار امور ارزی کاملاً به دولت سپرده شد و هرگونه مبادله ارزهای خارجی به جز از طریق نظام بانکی غیر قانونی و مشمول مجازات بود. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۹۶)

در ۲۲ اسفند ۱۳۰۸ نیز نرخ ارز ثابت ۶۰ قران در برابر هر پوند استرلینگ و ۱۲/۴ قران در برابر هر دلار اعلام شد و افرادی که می خواستند بیش از ۲۰۰ قران به خارج انتقال دهند باید از دولت مجوز می گرفتند. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۸۹). متمم این قانون نیز در ۳۱ تیرماه ۱۳۰۹ به تصویب و از اول مرداد اجرایی گردید و خرید و فروش هر نوع ارزی بدون مجوز از دولت ممنوع گردید. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

- قانون انحصار تجارت خارجی :

مشکلات ناشی از قانون تفتیش اسعار و تداوم بحران مالی منجر به اجرای قانون انحصار تجارت خارجی شد. این قانون در ششم اسفند ۱۳۰۹ به تصویب و متمم آن نیز در ۲۰ اسفند همان سال تایید گردید. (رضا مختاری، ۱۳۹۲: ۲۵۳) بر طبق این قانون دولت بر تمامی واردات و صادرات به صورت مستقیم و غیر مستقیم کنترل داشت و می توانست تعادل تراز بازرگانی را حفظ کند. (جان فوران، ۱۳۸۹: ۳۶۶)

حکومت وقت جهت انحصار و کنترل تجارت خارجی در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ وزارت اقتصاد ملی را تاسیس نمود و تلاش نمود تا از طریق این وزارتخانه برای رفع حوائج داخلی و اصلاح مواد صادراتی اقدام نماید. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱/۴۱۶)

در ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ این وزارتخانه به سه اداره کل: تجارت، فلاحت و صناعت به صورت مجزا تقسیم شد. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۵۴۴ - ۱/۵۴۳) دولت در این زمان و با شروع بحران دخالت در امور اقتصادی را ضروری تشخیص داد و سیاست مداخله مستقیم را انتخاب کرد و وارد کردن هرگونه محصولات طبیعی یا صنعتی به ایران مشروط به صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی از ایران در حدود قیمت مذکور بود. (تاریخچه ۳۰ ساله بانک ملی ایران ۱۳۳۷ - ۱۳۰۷، ۱۳۳۸: ۱۵۸)

اگرچه این امر مخالفان بیشماری به ویژه در میان بازرگانان کشورهای طرف مبادله خارجی داشت. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۱۸۵ و ۲۰۷ و ۲۱۰ و ۲۲۰)^۱ بدین طریق دولت مجوزهایی برای نوع و میزان مال التجاره صادر می نمود که نهایتاً یک سال و غیر قابل تمدید بود و از دو شیوه برای اعطای مجوز بهره می برد، اول دادن مجوز مستقیم به تجار و دوم تاسیس شرکت های دولتی برای ورود و صدور کالا. (چارلز عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۹۵)

با در دست گرفتن انحصار تجارت خارجی، منابع درآمدزا به تدریج و یکی پس از دیگری تحت انحصار حکومت درآمد و دولت به بزرگترین تاجر کشور تبدیل شد. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۷۵) در این زمان ۲۷ نوع انحصار دولتی برقرار شد (چارلز عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۹۵) که مهمترین آن ها انحصار قند، چای و شکر در سال ۱۳۰۴/ تریاک در سال ۱۳۰۷/ دخانیات در سال ۱۳۰۸/ ابریشم در سال ۱۳۱۱ و گندم در سال ۱۳۱۴ بود. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱۱۵ - ۱/۱۱۴) همچنین برای اعطای مجوز مستقیم به تجار نیز کارگروهی با سه عضو از وزارت اقتصاد ملی، اداره گمرکات و بانک ملی ایران تشکیل می گردید که به صادرکنندگان، گواهینامه و مجوز صدور داده می شد. (علی رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)

۱- نک به ص ۱۸۵ جهت سند اعتراض فرانسه، ص ۲۰۷ سند اعتراض انگلیس، ص ۲۱۰ سند اعتراض آلمان، ص ۲۲۰ سند اعتراض شوروی.

- سیاست صنعتی سازی :

پس از صدها سال اقتصاد سنتی کشاورزی در ایران، تغییر مسیر اقتصاد به دلیل عدم پاسخگویی ابزارهای محدود اقتصادی به نیازهای روزافزون و رو به رشد جامعه پس از مشروطه و همچنین آشنایی تاجران، سیاحان و دیپلماتیک های ایرانی با جهان غرب و اقتصاد پویا و علمی، منجر به شکلگیری اصلاحاتی در ساختار اقتصادی ایران از اواخر قاجار گردید. بحران مالی ۱۹۲۹ میلادی این حرکت را سرعت بخشید و روی آوردن به تولید داخلی به جای واردات، یک ضرورت اقتصادی برای خودکفایی و تامین نیازهای اولیه بود تا از خروج مقادیر زیادی ارز جلوگیری گردد.

رضاشاه پهلوی در خصوص لزوم تاسیس کارخانجات صنعتی و تامین احتیاجات کشور در داخل صحبت کرده و آن را لازمه توسعه و ترقی اعلام کرد. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۳۴۸: ۲)

اولین قدم دولت برای صنعتی سازی تقسیم وزارت اقتصاد ملی به سه بخش تجاری، کشاورزی و صنعتی و همچنین ایجاد مدارس و کارگاه های صنعت با کمک آلمانی ها در مراکز استان ها بود. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۴۹۷: ۳)
بودجه وزارت صنایع که در سال ۱۳۱۰، ۳٪ از کل بودجه مملکت بود به ۲۱٪ در سال ۱۳۱۷ افزایش یافت و تا سال ۱۳۲۰ به رقم ۲۴٪ رسید. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۷۷)

مابین سالهای ۱۳۱۳ - ۱۳۱۰ دولت در ساخت و تجهیز کارخانجات سرمایه گذاری نمود و همچنین در خرداد ۱۳۱۳ علاوه بر بودجه، مبلغی را جهت اداره کل صنعت تخصیص داد تا به تکمیل پروژه های باقی مانده صنعتی پردازد. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱/۹۲۲)

جدول (۹): ساخت کارخانجات بین سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ میلادی

نوع محصول	شهر	سال تاسیس
قند	کهریزک	۱۳۱۰
قند	کرج	۱۳۱۱
قند	شاهی	۱۳۱۲
قند	ورامین	۱۳۱۲
قند	مرودشت	۱۳۱۳
قند	شاه آباد	۱۳۱۳
سیمان	تهران	۱۳۱۱
کرازت	شیرگاه مازندران	۱۳۱۲
چوب	شیرگاه مازندران	۱۳۱۲
گوردن سازی	تهران	۱۳۱۲
چای	لاهیجان	۱۳۱۲
چای	شهبسوار	۱۳۱۲
حریر بافی	چالوس	۱۳۱۳

(منبع: سازمان اسناد ملی ایران: سند ۱۴۳۶/۲۴۰۰)

گسترش بخش صنعت و راه سازی نیروی کار بیشتری را جذب این واحدها کرد، به گونه ای که نیروی کار بخش صنعتی به جز نفت تقریباً ۳ برابر ده سال قبل خود گردیده بود. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۱)
- نظام پولی و انتشار اسکناس:

۱- این سند شامل گزارش دکتر اسکوفیلد کارمند شرکت نفت ایران و انگلیس پس از بازدید از مراکز صنعتی ایران در شهریور ماه ۱۳۱۵ شمسی به سفارش دولت ایران میباشد.

کاهش ارزش نقره و سقوط قران منجر به آن شد که در ۲۷ اسفند ۱۳۰۸ (۱۸ مارس ۱۹۳۰) با تصویب قانون^۱ تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران^۲ پایه ی پول ایران از نقره به طلا انتقال یافت و همچنین نام واحد پولی، ریال گردید و در ۲۰ شهریور ۱۳۱۳ پشتوانه پول از ۱۰۰٪ استاندارد طلا به ۶۰٪ کاهش یافت و بدهی دولت به عنوان پشتوانه پول تلقی گردید. (رضا مختاری، ۱۳۹۲: ۲۵۰)

با گسترش فعالیت های اقتصادی دولت در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ دولت مجبور شد که برای افزایش حجم پول در گردش اولاً پشتوانه اسکناس را کاهش دهد و همچنین با انتقال مجوز انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی^۱ به بانک ملی ایران به چاپ و عرضه ی اسکناس پردازد.

جدول (۱۰): شاخص اسکناس در گردش بین سال های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۸ میلادی

سال	شاخص اسکناس در گردش
۱۳۱۱	۱۹۴
۱۳۱۲	۲۶۹
۱۳۱۳	۴۳۱
۱۳۱۴	۶۹۸
۱۳۱۵	۹۱۲
۱۳۱۶	۱۰۱۳
۱۳۱۷	۹۹۹
۱۳۱۸	۱۱۱۴
۱۳۱۹	۱۳۵۰
۱۳۲۰	۱۹۹۵

(منبع: بانک مرکزی ایران)

مابین سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹ دولت در حدود ۱۳۰۰ میلیون ریال اسکناس جدید منتشر ساخت و از بانک ملی ۱۵۰۰ میلیون ریال وام استقراض کرد. افزایش حجم پول و رشد نقدینگی حاصل از چاپ اسکناس و استقراض دولت، متاثر از سیاست انبساط مالی خود از عوامل تشدید کننده تورم در این دوران بود. وام های پرداخت شده به ضمانت دولت در سال ۱۳۱۲، ۸۷ میلیون ریال و در سال بعد به ۱۸۰ میلیون ریال رسید.

- افزایش کمی و کیفی صادرات:

با کاهش قیمت محصولات کشاورزی صادراتی که منجر با کاهش درآمد دولت گردید، افزایش کمی میزان صادرات یکی از اولین راه حل های استفاده شده جهت تامین بودجه گردید، در این راستا دولت تاسیس بانک فلاحی در شهریورماه ۱۳۰۹ را به تثبیت رساند. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۸۳۱/۱) از جمله سیاست های دولت برای این بانک، پرداخت قرضه جهت توسعه کشاورزی و زراعت به هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی آن را لازم بدانند، بود. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۴۵۵-۴۵۴/۱) و کالاهایی مانند نشاسته، روغن زیتون، بلغور، انواع چوب و ... از سال ۱۳۰۹ در فهرست اقلام صادراتی قرار گرفت. (مجله اطاق تجارت، ش ۴۵: ۲۴ - ۲۱) بنابراین به دستور دولت و کمک های مالی بانک فلاحی، میزان صدور محصولات کشاورزی جهت تامین کسری صادرات، افزایش یافت. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۸: ۴۴) به گونه ای که میزان صدور پنبه از ۱۰۴۷۰ تن در سال ۱۳۰۹ به ۳۱۲۵۹ تن در سال ۱۳۱۰/۱ کتیرا از ۱۹۱۰ تن در سال ۱۳۰۹ به ۲۸۶۵ تن در سال ۱۳۱۰/۱ خشکیار از ۴۳۰۲۰ تن در سال ۱۳۰۹ به ۱۱۵۹۹۹ تن در سال ۱۳۱۰ رسید. (مجله اطاق تجارت، ش ۱۸۲: ۱۶-۳)

۱- این بانک بر اساس قرارداد سال ۱۸۸۹ در دوران ناصری، به مدت ۶۰ سال اجازه انتشار اسکناس در ایران را بدست آورد. در سال ۱۳۱۱ دولت ایران با پرداخت ۲۰۰ هزار لیره به انگلستان این مجوز را به بانک ملی انتقال داد و پیش از آن نیز در ۲۴ اسفند ۱۳۱۰ به موجب اصلاح قانون مجلس ملی، اسکناس ریال جانشین قران شد.

به جز رشد کمی محصولات صادراتی، در ماده ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی، دولت مکلف به رشد کیفی محصولات نیز بود و از صدور محصولاتی که دارای شرایط معین نبودند و به واسطه ی عدم مرغوبیت، بر حسن شهرت مملکت خدشه وارد می کرد، جلوگیری کند. (مجله اطاق تجارت، ش ۳۷: ۱۰)

ولیکن اگرچه درآمدهای صادراتی دولت در سال ۱۳۱۰ رشد چشمگیری داشت ولی در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ با ارقام ۵۲۲۰۴۱۰۰۰ ریال و ۴۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال کاهش یافت، چراکه سیاست قانون انحصار تجارت خارجی مبنی بر برابری ارقام صادراتی و وارداتی در نهایت منجر به کاهش امکان هر دو گردید. (مجله اطاق تجارت، ش ۵۲: ۲۶)

- افزایش مالیات:

با توجه با بالا بودن هزینه ها، افزایش درآمد یکی از مهمترین دغدغه های حکومت بود، نفت ۲۰٪ بودجه کشور و ۶۲٪ کل دریافت های ارزی دولت را تشکیل می داد. (چارلز عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۹۳)

دولت از طریق فروش نفت، عوارض گمرکات، فروش زمین های دولتی و مالیات، به صورت مستقیم و غیر مستقیم کسب درآمد می کرد. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۷۵) مالیات مستقیم بر حقوق کارمندان دولت و شهرداری از ۵٪ تا ۴٪ و سایر درآمدها از ۱٪ تا ۳٪ متغیر بود و با آن که مجلس در ابتدای سال ۱۳۰۹ قانون مالیات بر درآمد را وضع کرد ولی تا پایان سال ۱۳۲۰، عملی نگردید. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸۰)

مهمترین مالیات های غیرمستقیم نیز بر تریاک، مشروبات الکلی و کشتار دام اعمال گردید که منجر به ایجاد اعتراضات زیادی از طرف عامه مردم و قاچاق این محصولات گردید.

- گمرکات:

بخشی از درآمدهای حکومت از طریق انحصار واردات و کسب عواید گمرکی آن بدست می آمد. بر اساس قانون مصوب ۹ خرداد ۱۳۰۴، دولت علاوه بر انحصار واردات و خرید و فروش قند، شکر و چای، از هر من قند و شکر، ۲ قران و از هر من چای ۶ قران عوارض گمرکی اخذ می کرد. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱۱۴/۱)

دولت از سال ۱۳۰۶ درصد کنترل کامل بر گمرک و عواید حاصل از آن برآمد، بنابراین برای لغو تعرفه های استعماری دوران قاجار، در بهار ۱۳۰۶ اعلام نمود که ظرف یک سال تعرفه های گمرکی را خود تعیین می کند و دیگر لزومی به اجرای تعرفه های سابق نمی بیند.

درآمدهای بودجه ای دولت در گمرک تحول بزرگی داشت و مابین سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ با توجه به نوع وصول درآمدها و عوارض کالاهای وارداتی، ۷ برابر شد. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضا شاه ۱۳۰۵-۱۳۱۱، ۱۳۸۰: ۳۱۲)

- سایر درآمدها

الف) قرارداد نفتی داری

در ارتباط با سایر عملکرد دولت پهلوی اول جهت کنترل بحران موجود میتوان به القای یک طرفه قرارداد نفت داری که در ۲۸ می ۱۹۰۱ از سوی مظفرالدین شاه قاجار پذیرفته شده بود، (رضا مختاری، ۱۳۹۲: ۳۶۹) به دستور رضا شاه و تصویب مجلس در ۱۰ آذر

۱۳۱۱ اشاره کرد. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۷۵۱/۱)

حق السهم ایران از نفت صادره توسط شرکت نفت ایران - انگلیس در سال ۱۹۳۰، ۱۲۸۸۰۰۰ لیره بود که با کاهشی آشکار به دلیل بحران اقتصادی انگلستان به رقم ۳۰۷۰۰۰ در سال ۱۹۳۱ رسید، در این زمان سرمقاله روزنامه اطلاعات این قرارداد را غیر رسمی خواند چراکه قوه مقننه آن را تصویب و امضا ننموده است. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۶۴۱: ۱) و در نهایت شاه این قرارداد را یک سویه لغو نمود. (مصطفی فاتح، ۱۳۵۸: ۲۹۱-۲۹۰)

ب) نیروی انسانی متخصص

جهت گسترش سیاست صنعتی سازی و مبارزه با بی سوادی عامه مردم، سیاست هایی جهت گسترش علم، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، تاسیس دانشگاه (محمد رضا خلیلی جو، ۱۳۷۳: ۱۶۵-۱۵۸) استفاده از نیروی کار و اجتماعی زنان توسط دولت مدنظر قرار گرفت.

در واقع در این مقطع با برداشتی شبه مدرنیسم، حس ناسیونالیسمی همزمان با نوعی غرب گرایی در جامعه شکل و در برابر سنت ها و ارزشهای غالباً اسلامی قرار گرفت. (محمد علی همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۴۹)

ج) گسترش راه های حمل و نقل

در دوران پهلوی اول، حمل و نقل تغییری ساختاری نمود به گونه ای که در سال ۱۳۰۴، ۳۲۰۰ کیلومتر جاده اصلی در کشور وجود داشت که تا سال ۱۳۲۰ به ۲۲۴۷۰ کیلومتر رسید و متوسط مدت مسافرت به یک دهم قبل از جنگ جهانی اول رسیده و هزینه ها به سه چهارم تقلیل یافت. (مسعود کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۱۷)

همچنین وسایل حمل و نقل مکانیکی جایگزین کاروان ها گردید و از ۱۷۳۹۰ کامیون وارد شده به کشور، نیمی از آن در بخش شرکت های حوزه نفت کار می کردند (محمد رضا خلیلی جو، ۱۳۷۳: ۱۷۵) و حمل و نقل هوایی نیز از سال ۱۳۱۰ به انحصار دولت درآمد (فاطمه پیرا، ۱۳۷۹: ۱۸۰). و راه آهن سراسری از دریای کاسپین تا خلیج فارس در شهریور ماه ۱۳۱۷ احداث گردید. (رضا مختاری، ۱۳۹۲: ۲۷۲) در واقع بودجه وزارت راه مابین سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ از رقم ۳۲۱۲۰۹۴ تومان به ۱۰۹۲۱۳۸۰۰۲ تومان رسید. (مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، ۱۳۸۸: ۱۶۹۹/۲)

توسعه نیافتگی و وابستگی ایران به جوامع سرمایه داری موجب شد تا ایران نیز از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ آمریکا تاثیر بپذیرد که مهمترین آن ها کاهش درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه، سقوط ارزش قران و کسری تراز تجاری بود. در شرایط پیش آمده، دولت جهت کنترل بحران دست به اقدامات متعددی از جمله کنترل تجارت خارجی، استراتژی صنعتی سازی و جایگزینی واردات، تغییر پایه پولی از نقره به طلا و انتشار اسکناس جهت طرح های عمرانی پرداخت. گسترش شبکه حمل و نقل و امنیت به عنوان دو شرط لازم داخلی جهت رشد اقتصادی در این دوره مدنظر دولت بود.

تجزیه و تحلیل یافته ها

بحران ۱۹۲۹ میلادی، اقتصاد بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داد. شروع این مجموعه با رکود مالی ۱۹۲۸ آلمان آغاز، سپس سقوط وال استریت و ورشکستگی بانکها در پایان سال ۱۹۳۰ و در نهایت با وضعیت نامساعد مالی کشورهای اروپایی که غرق در وام های قرض گرفته شده بودند، تکمیل گردید. حتی بر کشورهای جهان سوم که بیشتر به تولید مواد خام صادراتی می پرداختند مانند ایران نیز تسریع یافت و برای نخستین بار نشان دهنده نظام بین المللی و تأثیرات متقابل اقتصادی کشورها بر هم و همچنین تأیید کننده قدرت امپریالیسم اقتصادی ایالات متحده بر سایر سرزمین ها بود. سقوط پایه پول و کاهش درآمد مالی، دولت ایران را نیز در وضعیت بحران سیاسی و اقتصادی قرار داد و منجر به حمایت عملی و مالی حکومت جهت توسعه و پیشرفت صنعت جهت تأمین مواد اولیه ضروری کشور در داخل سرزمین گردید. اگرچه این تغییر جهت، بدون ایجاد پیش زمینه های لازم و اولیه، در کوتاه مدت یاری کننده حکومت در کنترل بحران گردید ولی در درازمدت، ناموفق عمل کرد و پس از آن وقوع جنگ جهانی دوم و با شکست آلمان، متحد اقتصادی ایران و سپس اشغال تهران در سال ۱۳۲۰ هـ در این مرحله متوقف و ناکام ماند. همچنین تغییر اقتصاد سنتی خودبسنده کشاورزی در ایران به دلیل عدم پاسخگویی ابزارهای محدود آن به نیازهای روزافزون و رو به رشد جامعه پس از مشروطه و آشنایی تاجران، سیاحان و دیپلماتیک های ایرانی با جهان غرب و اقتصاد پویای آن، منجر به شکلگیری اصلاحاتی در ساختار اقتصاد ایران گردید که در نهایت منجر به تولید داخلی به جای واردات، به عنوان یک ضرورت اقتصادی برای تأمین نیازهای اولیه و عدم خروج ارز شد.

تعریف نوین صنعت به معنای ساخت کارخانجات، ترکیب جمعیتی شهرها، اصناف و لایه های اجتماعی را تغییر داد و زمینه ساز شکلگیری زندگی شهری و طبقه کارگر با نیازمندی ها و انتظارات جدیدی در جامعه گردید که در دهه چهل و پنجاه، خود را در اشکال و مظاهر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران نشان داد.

نتیجه گیری

بعد از جنگ جهانی اول و تلفات مالی و جانی حاصل از آن، حرکت جهان به سوی ناسیونالیسم سیاسی و به تبع آن ناسیونالیسم اقتصادی (تکیه بر اقتصاد داخلی) افزایش یافت و کشورهای تأمین کننده مواد اولیه مانند ایران نیز برای بی نیازی از واردات، به آغاز صنعتی سازی و یا توسعه آن پرداختند. بنابراین با آنکه ایجاد صنایع نوین در ایران به اوایل دوران قاجار بازمی گردد، ولیکن با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی و تحت تاثیر پیامدهای جهانی بحران ۱۹۲۹ ایالات متحده، روند صنعتی شدن وارد مرحله جدیدی گردید. در این مقطع، دولت ابتدا به ایجاد مراکز و نهاد رسمی وزارت و در گام بعدی به تنظیم قوانین و مقررات در این بخش پرداخت. با آغاز بحران در ایالات متحده آمریکا، در تمام کشورهایی که کشاورزی بخش اعظم اقتصاد آنها را کشاورزی تشکیل میداد، نوعی مکانیسم حمایت دولتی برای کنترل قیمتها ایجاد گردید و در چنین شرایطی توسعه صنعت داخلی، یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی ناشی از تحولات نوین جهانی بود. بنابراین توسعه صنعت در دوران پهلوی اول نه به منظور صادرات و کسب درآمد، بلکه با هدف بازار مصرف داخلی، جلوگیری از واردات و خروج ارز صورت گرفت. به همین دلیل است که صنایع کشور در درجه اول شامل صنایع سبک، مواد غذایی و مصرفی گردید چراکه از یک سو مواد خام مورد نظر در داخل کشور وجود داشت و از سوی دیگر، واردات این محصولات بیش از سایرین بود. لازم به توضیح است محصولات تولیدی، قابل عرضه رقابتی در بازارهای جهانی با فرامتنطقه ای نبود ولی با توسعه صنعت، تمام عملیات تولیدی و فرآوری در داخل، صورت می پذیرفت. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که در این دوران گذار، دولت در ایران، بیش از هر زمان دیگری با تصویب قوانین انحصار در تجارت، تلاش نمود تا کنترل اوضاع را به دست گیرد و پایه گذار قدرت گیری یک دولت اقتصادی یا اقتصاد دولتی شد و همچنین مدیران سیاسی - اقتصادی عصر پهلوی اول اگرچه در کوتاه مدت و با اتخاذ سیاست هایی به کنترل بحران مالی دولت پرداختند، اما در بلند مدت، از پیامدهای ناگوار دولتی شدن اقتصاد ایران غفلت ورزیدند.

منابع

۱. بانک ملی ایران (۱۳۳۸)، تاریخچه ۳۰ ساله بانک ملی ایران ۱۳۳۷ - ۱۳۰۷، تهران، انتشارات بانک ملی.
۲. بروک، پل (۱۳۵۵)، جهان سوم در بن بست، ترجمه امیرحسین جهاننگلو، تهران، خوارزمی.
۳. پیرا، فاطمه (۱۳۷۹)، روابط سیاسی - اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. تاپیتون، فرانک و رابرت آلد ریچ (۱۳۷۵)، تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا، ج ۱، ترجمه کریم پیرحیاتی، تهران، علمی و فرهنگی.
۵. خاوری نژاد، ابولفضل (۱۳۸۱)، برآورد تولید ناخالص داخلی ایران برای سالهای ۱۳۳۷ - ۱۳۱۵، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و پژوهشکده پولی و بانکی.
۶. خلیلی جو، محمدرضا (۱۳۷۳)، توسعه و راه سازی در دوره رضاشاه، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۷. دهقانی، علی (۱۳۸۷)، اقتصاد خرد، تهران، ترمه.
۸. رحمانی، تیمور (۱۳۷۸)، اقتصاد کلان، ج ۱، تهران، برادران.
۹. رشیدی، علی (۱۳۸۶)، تحولات صد ساله اقتصاد ایران، تهران، انتشارات روزنه.
۱۰. روزنامه اطلاعات. (شماره های ۳۲۲، ۱۳۴۸، ۱۴۹۷ و ۱۶۴۱).
۱۱. زرگر، علیرضا (۱۳۷۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، معین - پروین.

۱۲. سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۱۴۳۶۰۰۲۴۰۰.
۱۳. طیب نیا، علی (۱۳۷۴)، فرایند تورم در ایران، تهران، جهاددانشگاهی دانشگاه تهران.
۱۴. عیسوی، چارلز فیلیپ (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گسترش.
۱۵. فاتح، مصطفی (۱۳۵۸)، پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام.
۱۶. فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۱۷. قوه قضاییه روزنامه رسمی کشور (۱۳۸۸)، مجموعه قوانین و مقررات سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ هجری شمسی، جلد ۱ و ۲، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت: دولت و صنعتی شدن، تهران، گام نو.
۱۹. مجله اطاق تجارت. سال سوم (شماره های ۲۹، ۳۷، ۳۸ و ۴۵). سال چهارم (شماره های ۵۲ و ۵۳). سال نهم (شماره ۱۸۲).
۲۰. مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۹۲)، پهلوی اول از کودتا تا سقوط، تهران، نشر پارسه.
۲۱. میر، جرالده (۱۳۷۸)، مباحث اساسی اقتصاد توسعه. جلد ۲. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران: نشر نی.
۲۲. هابز باوم، اریک (۱۳۸۲)، عصر نهایت ها، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، آگه.
۲۳. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۲)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. تهران: نشر مرکز.
۲۴. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۴)، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران، نشر مرکز.

Archive of SID